

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

۶ سپتمبر، ۲۰۲۴

پوهاند عبدالحی حبیبي

یادداشتها در تاریخ صنایع افغانستان

قسمت دوم



مصوری و نقاشی:

از آثار مانوی که در تورفان کشف شده و نیز از عنعنۀ قدیمی که در ادب و کلتور ممالک آسیای وسطی موجود است فهمیده می شود که مصوری و نقاشی در خراسان از عصور قبل از اسلام رواج داشته و در افغانستان از امتزاج هنر بودایی و یونانی سبک هنری گریکو بودیک در مدارس گندهارا بوجود آمده بود که در عصر کوشانیان این هنر در افغانستان صبغه خاص محلی را یافته بود.

مصوری و مجسمه سازی گندهارا در ادب و آرت دوره اسلامی آنقدر نفوذ نمود که شعرای

قدیم فارسی بت قندهار و نقش قندهار را سمبول حسن و جمال قرار دادند سنائی غزنوی گفت:

صانعی باید حکیم وقادر و قائم بذات تا پدید آید ز صنع وی بتان قندهار (۱۵)

حتی گاهی تنها کلمه قندهار سمبول زیبایی و جمال بود ناصر خسرو علوی گفت:

سوی شاخ بادام شوبامداد اگر خواهر همر قندهار (۱۶)

در دوره اسلامی در افغانستان فن نقاشی و مصوری را از عهد سامانیان بلخی سراغ داریم، بدین معنی که در قرن چهارم هجری نصر بن احمد سامانی نسخه ترجمه شده کلپله و دمنه را بوسیله نقاشان چینی مصور نموده بود و نقاشی روی دیوارهای کاخها نیز از همین دوره مرسوم بود که استاد معروف هرتسلف در سیستان نمونه هائی از آن یافته است (۱۷) و هنگامیکه آثار لشکرگاه غزنویان در بست کنار هلمند کشف شد و بر دیوارهای آن تصاویر غلامان محمودی دیده می شود از ملاحظه آن به یقین می پیوندد که هنر مصوری در آن عهد چه مراحل را می پیمود و علاوه برین از روایت ابو الفضل بیهقی میدانیم که شهزاده مسعود فرزند سلطان محمود در باغ عدنانی هرات عیش خانه ئی داشت که دیوارهای آنرا به نقوش و تصاویر گونا گون آراسته بودند. (۱۸).

اما نقاشی های دیوارهای حمامهای و تالارها و سالن های خصوصی شده و در دوره اسلامی مکتب های مصوری سلجوقی و مغولی و تیموری و صفوی معروف است که منبع و پرورشگاه تمام این مکاتب هنری باز خراسانی بوده و در خاکهای پارس و عراق و تورکیه پرورده شده است. (۱۹)

یک نسخه شاهنامه فعلاً در موزه طویقاپوسرای استانبول هست که در سال (۷۱۳ هـ ۱۳۳۱ م) نوشته شده ولی صور و نقوش این نسخه برزخ میان صورتهای مکاتب سابق و لاحق بوده و باز گشت زمینه قرمز رنگ سلجوقی و سادگی و عدم تصنع در رسوم اشخاص آن دیده می شود. که تاثیر روش مغولی در آرایش لباس و مناظر کوهستانی و گل و بوته آن نیز مشهور است (۲۰). از بهترین صور نقاشی شده سبک مغولی افغانستان در حدود بعد از قرن ششم هجری مرقعی است از کلپله و دمنه که بعداً برای شاه طهماسب اول صفوی فراهم آوری شده و اکنون در کتابخانه پوهنتون استانبول موجود است.

در کشیدن صورت اشخاص این مجموع دقت و مهارتی دیده می شود و نقاض از روشهای چینی عناصری در آن اقتباس کرده که در مناظر طبیعی آن بنظر می آید و در مراعات حالت طبیعی و اتقان اشکال آدمی و حیوانی بحدی موفق است که هنرمندان و نقاشان تبریز هم بآن پایه نرسیده اند بهر حال یک روحانیت و حالت طبیعی در این مجموعه مشهود است که بما اجازه

میدهد آنرا از صنایع هرات در نیمه قرن هشتم صنایع و فنون دران بر اثر یایتخت بودن سلاطین کورت رونق یافته بود بدانیم. اما این صور و اشکال خالی از يك حالی هندی نیست و شاید این باشد که سلاطین کورت منسوب به غوریان اند که در سالهای (۵۴۳/ ۶۱۲ هـ - ۱۱۴۸ / ۱۲۱۵ م) بر افغانستان و هند حکومت کرده اند و این رابطه و نسبت که بین دو سلسله بوده است در فنون شهر هرات تاثیر داشته است. (۲۱).

این رای مؤلف صنایع اسلام قین بصواب است زیرا از ملاحظه تاریخ سیفی هروی که از مؤرخان دربار آل کورت هرات است بخوبی میدانیم که شاهان آل کورت تا دره بولان و حدود سرزمین سنده حکمرانی داشتند، و شاید آثار هنری هندی را بدربار خویش در اثر تماس با مردم سند به هرات انتقال داده باشند.

در سال ۷۷۱ (هـ - ۱۳۷۰ م) سمرقند پایتخت تیمور شد وی مشهور ترین هنر مندان را در آن شهر فراهم آورد اما تابلوهای نقاشی که بشهر سمرقند منسوب اند خیلی کمیابند و بهمین جهت شاید ممکن نباشد آثار فنی زیادی بآن نسبت داد فقط میتوان اشکال منقول از نمونه های چینی و بعضی اشکال دیگر را که روشهای چینی در آن تاثیر کرده و مشتمل بر رسوم و اشکال حیوانات حقیقی و خرافی و بعضی کتابهای خطی علوم فلکی را منسوب بآن شهر دانست (۲۲).

شاهرخ (۸۰۷ / ۸۵۰ هـ - ۱۴۰۱ / ۱۴۴۷ م) پسر و جانشین تیمور هرات را مقرر حکومت خود قرار داد وی عدغ زیادی از هنرمندان را برای استتساخ و مصور ساختن کتب جهت کتابخانه خود استخدام کرد که در بین آنه خلیل نقاض را میتوان نام برد، که در آن زمان یکی از عجایب اربعه و تالی مانی بشمار میرفت (۲۳) بایسنقر میرزا (متوفی ۱۴۳۳ م) پسر شاهرخ يك کتابخانه و مدرسه فنون کتابت تاسیس کرد که در ان چهل هنرمند از قبیل نقاش و خوش نویس و صحافت کار میکردند، و در راس آنها جعفر بایسنقری خطاط مشهور بود، از جمله نقاشان امیر شاهی سبزواری و غیاث الدین را میتوان نام برد، غیاث الدین جزو يك هیئت سیاسی از طرف شاهرخ به چین فرستاده شده (۲۴).

چون روابط محکم بین دربار هرات و خاندان شاهان منگ چین (۷۷۰ / ۱۰۵۴) موجود بود و سفرای جانبین بدربارهای یکدیگر فرستاده می شدند بنا بران تاثیر هنر چینی در مکتب فنی هرات نمایان است که از ان جمله تزئین جلد های کتب به رسوم حیوانات خرافی چینی است (۲۵). اگر چه نقاشان در بار بمصور ساختن شاهنامه ادامه میدادند اما موضوعی که بیشتر توجه آنها را جلب میکرد، اشعار عاشقانه و تصوفی بود که برای نقاشی این اشعار مکتب هرات سبک جدیدی ابداع کرد، که متناسب با معنی و مفهوم اشعار غنائی و عاشقانه باشد.

معمولاً اشکال انسان درین تصاویر ظریف و کوچک ترسیم شده و منظره آن کاملاً محیطی و

تزئینی و دارای افق بلند و جبال است رنگ آمیزی این تصاویر روشن و هم آهنگ است و با مقایسه با نقاشی دوره اولیه مغول رنگهای جدید بآن اضافه شده است.

ایجاد این سبک خاص در نقاشی که بتدریج نفوذ های خارجی در آن مستهک گردید مرهون مکتب نقاشی هراتست بدین تفصیل:

در عصر شاهرخ فن نقاشی مرحله اقتباس و فراگرفتن از فنون اجنبی را پیمود، و بدوره جوانی خود رسید، و توانست چیزهائی را که از دیگران گرفته است در خود تحلیل کرده و جزء لاینجزای خود سازد، در صور و اشکالی که در اواخر قرن ۸ هـ) ۱۴ م) کشیده شده میتوان مهمترین وسائل تزئینات سبکهای فنی را دید و همین وسائل در قرن بعد از بزرگترین ممیزات نقاشی مکتب هرات گردید. که مهمترین خصایص آنها منظر زیبای گلها و گلزارها و مناظر بهاری و پس از آن رنگهای درخشان و زیبایی است که هیچگاه خروج از رنگی بدیگری وحدت و استقلال آنها را متزلزل نمیکند. و از ممیزات دیگر این مکتب مناظر طبیعی و کوه و تپه هایبست که تشکل اسنفع کشیده شده و علاوه برین نقاشان این دوره توانسته اند میان اشخاص و ساختمانها یا سائر مناظری را که می کشند نسبت های مقبول و معقولی را قائل شوند، و تطور فنی مکتب هرات خیلی واضح تر و آشکار تر است، و از آثار مهم این دوره مجموعه اشعاربست بقلم مرتضی حسینی قسمت اسلامی موزه دولتی در برلن که در سنه (۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م) برای کتابخانه بایسنقر شاهزاده تیموری نوشته است. و امتیاز این نسخه در این است که نقاش توانسته است صورت اشخاص را آنقدر که ممکن بود کم کند و در رنگ آمیزی و کشیدن کوه و تپه مهارت نشان دهد، نقاشان این دوره از سبکهای فنون چینی اقتباس کرده و هضم کرده اندریک سبک مستقل و قوی را که نماینده روح فنی عصر بود بوجود آورند. (۲۶)

میناتورهای کتب عصر تیموری از حیث سبک بیکدیگر شباهت دارند و به شیوه میناتور سازی که چندی بعد در هرات ظاهر شد، خیلی شباهت دارند.

خصایص این قسم میناتور عبارتست از کوه هائی در فواصل معین با سبزه پوشیده افق بلند و رنگهای جدید به الوان گوناگون. در تحت نظر این هنرمندان هرات و بدست آنان عصر طلایی مینیاتور سازی ظاهر گردیده. نقاشی ها و تصاویری که این صنعتگران کشیده اند به مقیاس کوچک است و در ساختن آن دقت زیاد کرده اند و مخصوصاً به ریزه کاری خیلی اهمیت داده اند این مینیاتورها تاثیر آرایشی فراوان دارند و رنگهای جدیدی که در آن استعمال شده لطیف و خوش منظر است، درین مینیاتور ها فاصله های بین تصاویر بطرز تازه نشان داده میشود، چونکه تصاویر در چند سطح کشیده شده اند تا اینکه دوری و نزدیکی نسبت بیکدیگر را بنمایند طبقات نازک صخره و کوه هائی که بافق منتهی میشود، بانواع رنگهای قشنگ ساخته شده، درختان و

گل و گیاه و جزئیات آن با دقت کشیده و نمایش داده شده است. آسمان بالای افق اغلب طلائی رنگست، و برای نشان دادن ابر پیچ نازکی بسبک چین کشیده شده آسمان شب را با رنگ سرمه ئی و ماه و ستارگان را با رنگ طلائی جلوه داده اند

چنانچه گفتیم نقاشان به مصور ساختن و مینیاتور کاری شاهنامه فردوسی ادامه میدادند ولی درین زمان آثار شعرای بزمی وسیله و صحنه جدیدی برای ابراز این صنعت بوده و کتب سعدی و نظامی را استنساخ کرده و مینیاتور آرایش و زینت دارد، و هیچگاه سعی نشده است منظره ئی را نشان بدهند، که بعینها همان باشد، که بچشم یا دوربین عکاسی میآید، و قوه مخیله و تصور در آرایش آن میدان وسیعی دارد. (۲۷)

تکنیک دقیق و طرز نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص مکتب هرات در نیمه اول قرن (۱۵ م) است. (۲۸)

از قدیمترین کتب خطی منسوب بمکتب هرات کتاب کلیله و دمنه (کاخ گلستان تهران) است که در اتفاق تصویر طبیعت و آثار آن و هضم و تحلیل عناصر چینی ممتاز است، و نسخه خطی گلستان سعدی (۸۳۹ هـ - ۱۴۲۶ م) که برای بایسنقر نوشته شده و دارای (*) تصویر بدیع و زیباست تمام ممیزات و محسنات فنی مکتب هرات را دارد. (۲۹)

در موزه هنرهای زیبای پاریس تابلوی ملاقات همای و همایون در باغ ها کاخ شاهی چین از شهکارهای نقاشی مکتب هرات است که سراسر آن ابداع مقرون بزبانی رونق دادن بین اجزاء و قدرت کامل بر تعبیر عواطف و افکار بوده و جنبه اشرافی و بزرگی اشخاص بخوبی دران آشکار است. رنگ آمیزی عجیب و گلهای زیبائی که دران کشیده شده جذبیه خاص بدان میدهد. علاوه برین تابلو، صورت مستقل دیگری نیز روی پارچه ابریشمی طبق روش چینی در مکتب هرات کشیده شده و تصور میرود که از آثار همان غیاث الدین نقاش باشد، که در سالهای (۸۲۳_ ۸۲۷ هـ) جزء هیئت کونتس دوهاک موجودند که اجتماع سبکهای چینی و هراتی را در کمال مهارت و خوبی نمایندگی می کنند.

اما مکتب فنی هرات از نیمه قرن نهم هجری (۱۵ م) در پیوند صور و اشکال و رنگ آمیزی آنها يك تشخیص قوی و مستقلی را تشکیل داد، که نسخه انجمن آسیائی لندن نوشته شده برای محمد جوکی بن شاهرخ در حدود (۸۴۰ هـ) نماینده آنست، و همچنین دیوان اشعار سلطان حسین میرزا (متوفی ۸۹۰ هـ) در مناظر طبیعی و تصاویر ابنیه و سیما و چهره مغلوی اشخاص و تناسب رنگها از پیشرفت فنی هنرمندان مکتب هرات حکایه میکند (۳۰)

پایان قسمت دوم